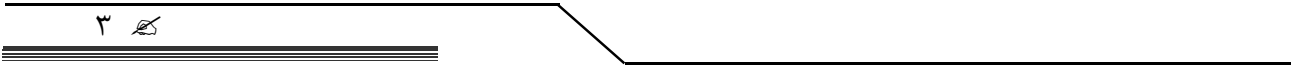


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فهرست مطالب

فصل اول: طرح پژوهش

۲.	۱-۱ بیان مسأله
۷	۲-۱ هدف پژوهش
۷	۳-۱ پرسش های پژوهش
۸	۴-۱ پیشینه پژوهش
۱۱	۵-۱ ضرورت و اهمیت پژوهش

فصل دوم: مرور سوابق نظری و تجربی پژوهش

	بخش اول: پژوهش های انجام شده
۱۵	۱-۲ پژوهش های انجام شده در ایران
۲۱	۲-۲ پژوهش های انجام شده در خارج از کشور
۲۵	بخش دوم: مرور سوابق نظری
۲۵	الف: حوزه برنامه درسی و مفاهیم مرتبط با آن
۲۸	۱-۲ مراحل برنامه ریزی درسی
۳۴	۲-۲ اصول و معیارهای انتخاب محتوا از دیدگاه مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی
	۳-۲ اصول و معیارهای انتخاب محتوا از نظر دست اندرکاران برنامه درسی مطالعات اجتماعی در ایران
۳۶	
۳۹	۴-۲ دیدگاه های برنامه درسی
۳۹	۱-۴-۱ دیدگاه موضوعی / دیسپلینی
۴۰	۲-۴-۲ دیدگاه اجتماعی
۴۱	۳-۴-۲ دیدگاه انسان گرایانه
۴۲	۵-۲ مبانی اساسی برنامه درسی
۴۳	۱-۵-۲ مبانی روانی یاروانشناختی
۴۴	۲-۵-۲ مبانی اجتماعی یا جامعه شناختی
۴۵	۳-۵-۲ مبانی فلسفی
۴۷	ب) ۲- مفهوم جهانی شدن و هویت ملی
۵۱	۶-۲ علل و تاریخچه جهانی شدن

۵۸	۷-۲ ایران شناسی و هویت ملی
۵۹	۷-۲-۱ مفهوم شناسی هویت ملی
۶۲	۷-۲-۲ ابعاد هویت ملی
۶۷	۷-۲-۳ مسائل هویت ملی در ایران
۷۰	۷-۲-۴ نتیجه گیری از مسائل هویت ملی در ایران
۷۱	۸-۲ چارت ابعاد ایران شناسی

فصل سوم: روش پژوهش

۷۲	۳-۱ روش پژوهش
۷۲	۳-۲ جامعه پژوهش
۷۲	۳-۳ حجم نمونه و روش نمونه گیری
۷۳	۳-۴ روش جمع آوری داده ها
۷۳	۳-۵ تعریف مفاهیم و متغیرها
۷۴	۳-۶ روش تجزیه و تحلیل یافته ها
۷۴	۳-۷ روایی
۷۴	۳-۸ پایایی

فصل چهارم: یافته ها و تجزیه و تحلیل آن ها

	بخش اول: ارائه یافته های مربوط به سوالات پژوهش به صورت تفسیر داده های مولفه های
۷۸	ایران شناسی گردآوری شده از کتاب های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی
۸۷	بخش دوم: جایگاه کلی ایران شناسی در کتاب های درسی تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی
	بخش سوم: معرفی تفاوت میان سه بخش (جغرافیا، تاریخ و مدنی) کتاب های تعلیمات اجتماعی
۸۸	دوره ابتدایی از نظر توجه به مولفه های ایران شناسی
	بخش چهارم: معرفی تفاوت میان توزیع فراوانی مولفه های ایران شناسی در کل کتاب های
۸۹	تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی
	بخش پنجم: ترسیم توزیع فراوانی مولفه های ایران شناسی در کتاب های تعلیمات اجتماعی
۹۰	دوره ابتدایی به تفکیک پایه های تحصیلی

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

۹۳	۱-۵ مقدمه
۹۴	۲-۵ نتایج پژوهش
۹۶	۳-۵ بحث و پیشنهاد
۱۰۲	۴-۵ محدودیت ها
۱۰۴	منابع و مآخذ

فهرست جداول

- جدول ۴-۱: توزیع فراوانی مؤلفه اجتماعی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی.....۷۸
- جدول ۴-۲: توزیع فراوانی مؤلفه تاریخی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی.....۷۹
- جدول (۴-۳): توزیع فراوانی مؤلفه جغرافیایی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی.....۸۱
- جدول (۴-۴): توزیع فراوانی مؤلفه سیاست در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی.....۸۳
- جدول (۴-۵): توزیع فراوانی مؤلفه دین در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی..... ۸۴
- جدول (۴-۶): توزیع فراوانی مؤلفه فرهنگ و ادب در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی ۸۵
- جدول (۴-۷): توزیع فراوانی مؤلفه‌های ایران‌شناسی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی.....۸۷

فهرست نمودارها

- نمودار (۱-۴): جایگاه کلی مؤلفه‌های ایران‌شناسی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی..... ۸۷
- نمودار (۲-۴): تفاوت مؤلفه‌ها در بخش‌های کتاب تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی ۸۸
- نمودار (۳-۴): نحوه توزیع مؤلفه‌ها در کل کتاب‌های تعلیمات اجتماعی ۸۹
- نمودار (۴-۴): نحوه توزیع فراوانی مؤلفه‌های ایران‌شناسی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی
دوره ابتدایی به تفکیک هر پایه تحصیلی ۹۰

فصل اول:

طرح پژوهش

۱-۱ بیان مسأله

یکی از وظایف برنامه درسی کمک به تأمین نیازهای جامعه است. در بررسی نیازهای جامعه هم باید به نیازهای آتی و هم به تغییرات و تحولات مستمر توجه کرد. جامعه و فرد به عنوان عوامل ریشه‌ای که ناشی از انواع مناسبات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... و هم تأثیرگذار بر این عوامل هستند، در آموزش و پرورش دارای اهمیت خاصی هستند و برنامه‌های درسی باید مطابق با اوضاع آن‌ها تدوین شود. امروزه آموزش و پرورش به طور مداوم با تحولات ناشی از پیشرفت علوم و فناوری مواجه می‌شود، بنابراین هدف‌های برنامه‌های درسی را باید در ارتباط با تغییرات اساسی که در جامعه در حال وقوع است، انتخاب نموده و همواره آن را با نیازهای گوناگون زندگی اجتماعی انطباق دهد. یکی از نیازهای زندگی اجتماعی، نیاز به شناخت و آگاهی از هویت و فرهنگ ملی است. افرادی که در یک جامعه زندگی می‌کنند نیاز به آگاهی نسبت به هویت ملی خود دارند و این آگاهی در ابتدایی‌ترین و مؤثرترین صورت توسط آموزش و پرورش و از طریق کتاب‌های درسی انجام می‌شود.

جهان به مرحله نوینی از تاریخ خود گام نهاده است. پایان سده بیستم با پدیده‌ی جهانی شدن مشخص می‌شود. جهانی شدن در عرصه‌های مختلف سیاست، فرهنگ، اقتصاد در حال حرکت بوده و می‌باشد. این رویکرد در حوزه تکنولوژی و نظام آموزش و پرورش نیز تقریباً به آرامی و با مقاومت اندکی صورت گرفته و می‌گیرد. یکسان شدن شکل نظام آموزش و پرورش تقریباً در اکثر کشورهای دنیا در حال وقوع است (عبداللهی، ۱۳۸۵: ۳۱).

جهانی شدن تأثیراتی بر آموزش و پرورش داشته است. آموزش و پرورش مکلف است که در برابر پدیده جهانی شدن موضع مشخصی را انتخاب کند به طوری که به فرهنگ ملی کشور صدمه وارد نشود و در ازای توجه به پدیده جهانی شدن، فرهنگ و هویت ملی را نیز از طریق برنامه‌های درسی و طراحی برنامه درسی متناسب با این مفهوم از یاد نبرده و به گونه‌ای باشد که پدیده جهانی شدن بر ملی شدن مسلط نشود.

بقای دولت - ملت در بستری از روندهای اجتناب‌ناپذیر جهانی از قبیل جهانی شدن تولید، گسترش ارتباطات ماهواره‌ای و انفورماتیک، پیدایش دنیای مجازی و ظهور بازیگران فراملی و فروملی متعدد و متنوع، اهمیت توجه به متغیرهای بسیاری را هم در عرصه‌ی سیاست‌گذاری برای تصمیم‌گیری سیاسی و هم در عرصه مطالعات علمی برای پژوهشگران و نظریه‌پردازان ضروری می‌نماید. به عبارت روشن‌تر، امروزه اگر دولت - ملتی به دنبال ارتقای جایگاه خود در نظام جهانی و حضور فعال و مؤثر در فرایندهای آن باشد، ناگزیر است که عوامل تأثیرگذار را چه در سطح داخل و چه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی مورد توجه قرار دهد. از طرفی با پیش‌رو قرار دادن نقشه جغرافیایی ایران و بررسی موقعیت حساس کشورمان از نظر ژئوپولوتیک، ژئواستراتژیک، لزوم توجه به همه‌ی ابعاد تأثیرگذار بر حضور فعال و قوی کشور در عرصه منطقه‌ای و جهانی آشکار می‌شود. قرار گرفتن ایران در منطقه استراتژیک خاورمیانه، وجود منابع عظیم انرژی در آن، تسلط ایران بر مرزهای شمالی خلیج فارس و دریای عمان و نیز تنگه‌ی هرمز به عنوان یکی از مهمترین آبراه‌های جهان، کشف ذخایر انرژی در بستر دریای خزر در شمال ایران و کوتاه و امن‌ترین مسیر بودن برای انتقال انرژی از دریای خزر، نمونه‌هایی از دلایل اهمیت کشورمان در جهان می‌باشد (صنیع اجلال، ۱۳۸۴: ۱۰). به علاوه یکی از مسائل مهمی که در بُعد داخلی نقش شایان توجهی در این زمینه ایفا می‌کند، وحدت و انسجام ملی و وجود اهداف ملی مشترکی است که ملت ایران متحد با یکدیگر برای وصول به آن تلاش می‌کنند. بدیهی است کشوری می‌تواند در سطح بین‌المللی حضوری مؤثر و قوی داشته باشد که علاوه بر برخورداری از فرهنگی غنی و قوی، از امنیت و انسجام ملی در درون مرزها نیز برخوردار باشد. در این جاست که نقش برجسته و مهم «هویت ملی» به عنوان جامع‌ترین وجه هویت‌یابی اجتماعی افراد آشکار می‌شود. اگر هویت را به معنای هستی و وجود و نیز آنچه باعث شناسایی فرد است تعریف کنیم، این شناسایی یا در سطح فردی و یا در سطح اجتماعی است. در حقیقت در مقابل هویت فردی که ویژگی‌ها و خصوصیات منحصر به فرد اشخاص را

آشکار ساخته و محصول روابط فرد با دیگران است، هویت جمعی قرار دارد که محصول عضویت فرد در گروه‌هاست. این گروه‌ها از خانواده آغاز، و تا محله، شهر، قبیله، قوم و... و در نهایت اجتماع ملی ادامه می‌یابد. در حقیقت فرد هویت‌های اجتماعی متعددی دارد که «هویت ملی» یعنی احساس تعلق فرد به اجتماع بزرگ ملی، جامع‌ترین و مهم‌ترین آن‌ها است.

هویت ملی را می‌توان یک حس بالنده میان مردمی دانست که به طور طبیعی به یکدیگر تعلق دارند و از منافع مشترک، تاریخ مشترک و سرنوشت مشترک برخوردارند. هویت ملی مفهومی دو وجهی است که همزمان بر تشابه و تمایز دلالت دارد. بدین صورت از یک سو با تأکید بر مشترکات و ملاک‌های پیوند دهنده، «ما» را پیرامون محوری واحد متحد و متعهد می‌کند و از سوی دیگر این «ما» را در مقابل «غیر» یا «دیگری» قرار می‌دهد و بدین صورت «ما» را در وجود تشابهات داخلی و تمایزاتش با «دیگری» شناسایی می‌کند. تقویت هویت ملی در یک دولت - ملت، منجر به گسترش همبستگی و انسجام داخلی شده و در نهایت دولت را در سطح جهانی متکی به پشتوانه‌ای محکم و منسجم می‌کند تا ضمن تقویت نظم و امنیت داخلی، زمینه‌ی حضور فعال و منسجم به عنوان یک دولت - ملت واحد در عرصه جهانی را نیز فراهم نماید. اولین مسأله‌ای که در یک کشور باید مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد، تعیین منابع هویتی و شاخص‌های شکل دهنده به هویت ملی آن است. این منابع ضمن این که در زمان‌های مختلف متفاوت است، همچون «فرهنگ» خصلتی فرازمانی و فرانسلی نیز دارد. یعنی از یک سو ریشه در گذشته‌ی مشترک و از سوی دیگر رو به آینده‌ی مشترک دارد؛ ضمن این که دو جنبه‌ی مادی و معنوی نیز پیدا می‌کند. اسطوره‌های تاریخی، خاطرات مشترک و تاریخ یک کشور در کنار باورها، رسوم و اعتقادات آن در زمره عناصر معنوی، و سرزمین و موقعیت جغرافیایی، میراثی مادی هستند که تداوم آنها می‌تواند سبب تداوم هویت ملی شود. در بررسی هویت ملی و نیز فرهنگ ملی در ایران که پیش زمینه بحث هویت است، نگاهی به پیشینه‌ی تاریخی کشورمان نشان از ریشه‌دار بودن فرهنگ و

هویت ایرانی دارد. «استقرار پادشاهی ساسانی و دین زرتشتی به عنوان دین رسمی کشور، همراه با رسمیت یافتن اسطوره‌های دینی و قومی درباره آفرینش و تاریخ و جایگاه جغرافیایی ایران، پایه‌های اصلی هویت اقوام ایرانی را که در ایرانشهر زندگی می‌کنند، شکل داده بود.» هرچند واژه «ایران» در زمان ساسانیان است که به عنوان یک مفهوم سیاسی به کار برده می‌شود، اما ورود اسلام به ایران آغازگر مرحله‌ای جدید در تاریخ هویت ایرانی بوده است. ایرانیان علی‌رغم پذیرش ارادی و آگاهانه آموزه‌های وحیانی اسلام، تلاش بسیاری در حفظ زبان فارسی به عنوان عامل هویت‌بخش ایران داشتند. برگزیدن تشیع به عنوان مذهب رسمی ایران در دوره صفویه، نقطه عطف دیگری برای ایرانیان به شمار می‌رود. با گذر از صفویه و ورود به دوره‌ی مشروطه، محور مورد تأکید در هویت ملی بر «ملت ایران» قرار گرفت و در زمان پهلوی تلاش بسیاری برای احیای مفاهیم کهن مقوم هویت ملی شد و باستان‌گرایی پهلوی مؤلفه‌های دینی هویت ایرانی را نادیده انگاشت. به این ترتیب در هر مقطعی تلاش شده که هویت ملی ایرانی با تکیه بر عنصر خاصی حفظ شود و در هر عصری شاهد برجسته شدن یکی از عوامل و مؤلفه‌های مقوم هویت ملی در کشورمان بوده‌ایم. اما به نظر می‌رسد آنچه هویت ملی را صیانت و تقویت می‌کند، پرهیز از یکسویه‌نگری و توجه همزمان به همه‌ی این مؤلفه‌هاست. کشور ما ایران، علی‌رغم فراز و فرودهای تاریخی توانسته در عین برخورداری از مردمان مختلف، وحدت و هویت ملی خویش را حفظ و تداوم تاریخی - سرزمینی و هویتی‌اش را تضمین نماید. در واقع مؤلفه‌هایی چون زبان، مذهب و فراتر از آن احساس تعلق به ملت ایران به عنوان یک کل منسجم است که چنین استمرار تاریخی را رقم زده است. تقویت این احساس درونی است که باعث می‌شود افراد ساکن در سرزمین ایران و یا حتی افرادی که به هر دلیلی خارج از مرزهای جغرافیایی ایران ساکنند، صرف نظر از زبان، مذهب یا قوم و قبیله‌ی خود، خودشان را ایرانی بدانند. البته هیچ‌گاه نباید نسبت به چالش‌ها و آسیب‌هایی که متوجه هویت ایرانی است غفلت ورزید؛ زیرا تضعیف این حس تعلق مشترک به یک ملت واحد در بین مردم و گروه‌های

مختلف ساکن در کشورمان، منجر به رشد هویت‌های خردتر در سطح جامعه خواهد شد. ساختار فرهنگی - اجتماعی کشورمان ضرورت بررسی عالمانه این ساختار و مدیریت هوشمندانه و همه جانبه‌نگر آن را مضاعف می‌سازد تا در پرتو آن هویت ایرانی به طور فزاینده‌ای از بالندگی برخوردار شده و تلفیق پایایی و پویایی را به نمایش گذارد. همچنین گسترش ارتباطات و تسریع روند جهانی شدن در سال‌های اخیر به عامل مؤثری در سمت‌گیری هویت ملی کشورها، از جمله ایران، بدل گردیده است. از این‌رو در هر گونه بحث علمی بایستی توجه به نقش جهانی شدن در تضعیف یا تقویت هویت ایرانی نیز با رویکرد حفظ انسجام ملی و تقویت همبستگی اجتماعی جدی انگاشته شود (همان: ۱۳).

کتاب تعلیمات اجتماعی یکی از کتاب‌های درسی بسیار مهم، به خصوص در دوره ابتدایی می‌باشد. در واقع، قسمتی از هر برنامه درسی بایستی در جهت رشد و تربیت اجتماعی کودکان باشد و تربیت اجتماعی فرزندان یک جامعه یا همان اجتماعی شدن از جمله اولین هدف‌های برنامه‌های درسی در طول تاریخ بوده است، انعکاس عناصر عمومی فرهنگ بایستی در دوره‌های ابتدایی آموزش عمومی بیشتر شود (یارمحمدیان، ۱۳۸۱: ۲۴).

این پژوهش با هدف تعیین جایگاه مؤلفه‌های ایران‌شناسی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی بر اساس تقسیم‌بندی هفت‌گانه مؤلفه‌های ایران‌شناسی توسط مؤسسه مطالعات ملی شامل بُعد اجتماعی، بعد تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، دینی، فرهنگی، زبانی و ادبی هویت ملی است، به اجرا درآمده است (صنیع اجلال، ۱۳۸۴: ۱۴).

به این منظور کتاب‌های تعلیمات اجتماعی پایه سوم، چهارم و پنجم دوره ابتدایی به عنوان جامعه آماری مورد بررسی و تحقیق قرار می‌گیرد و تمام عبارات و تصاویر کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی یک به یک تحلیل شده و در جدول داده‌های مؤلفه‌های ایران‌شناسی درج می‌شود و در آخر نتایج به دست آمده به صورت فراوانی ارائه می‌شود و سپس فوق از این منظر مورد مقایسه قرار می‌گیرند.

۲-۱ هدف تحقیق:

انطباق کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی با مؤلفه‌های ایران‌شناسی

۳-۱ پرسش‌های پژوهش

۱- کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی ابتدایی تا چه اندازه به مؤلفه‌های ایران‌شناسی پرداخته‌اند؟

این پرسش به ۶ پرسش فرعی به شرح زیر تقسیم می‌شود.

۱-۱ کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی تا چه اندازه به مقوله فرهنگ و تمدن و ادب ایران پرداخته‌اند؟

۲-۱ کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی تا چه اندازه به مقوله مذهب ایران پرداخته‌اند؟

۳-۱ کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی تا چه اندازه به مقوله جغرافیایی ایران پرداخته‌اند؟

۴-۱ کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی تا چه اندازه به مقوله تاریخی ایران پرداخته‌اند؟

۵-۱ کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی تا چه اندازه به مقوله اجتماعی ایران پرداخته‌اند؟

۶-۱ کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی تا چه اندازه به مقوله سیاست ایران پرداخته‌اند؟

۲- چه تفاوتی در کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی پایه سوم، چهارم و پنجم از لحاظ توجه به

مؤلفه‌های ایران‌شناسی وجود دارد؟

۱-۴ پیشینه‌ی پژوهشی

همگام با تحولات در عرصه پیشرفت علوم، پدیده‌ی جهانی شدن^۱ و بومی‌سازی^۲ به عنوان یک دغدغه‌ای ویژه، ذهن کارشناسان را درگیر کرده است. آنان دغدغه‌های خود را با انجام پژوهش‌های گوناگون و ارائه مقالات و برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌ها مطرح کرده‌اند، طوری که ضرورت تحول در محتوای کتاب‌های درسی سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه تحصیلی آشکار شده و با تأثیرگذاری محتوای کتاب‌ها بر عرصه‌های مختلف فرهنگ، جامعه، آموزش و... ادامه پیدا می‌کند. لذا در عصر حاضر، بررسی پژوهش‌های مرتبط با ارائه محتوای کتاب‌های درسی (با توجه به پیشرفت و فناوری‌ها)، سیر تحقیق مورد نظر را روشن می‌کند و سیر طولی و منطقی تحقیق را با یافته‌های گذشته بیان می‌کند.

از جمله مطالعاتی که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم با موضوع این پژوهش یعنی ایران‌شناسی در کتاب‌های درسی در ارتباط هستند، می‌توان از پژوهش محسن‌پور (۱۳۷۹) نام برد. او در این زمینه سعی کرده است که نظرات امام خمینی (ره) را در ارتباط با تعلیم و تربیت جهانی شدن، نشان دهد و از طریق الهام از سخنان امام توصیه عملی ارائه دهد برخی از این توصیه‌های عملی به شرح زیر است:

- پژوهشگران، جامعه‌شناسان، آسیب‌شناسان اجتماعی و دانشگاهیان می‌توانند با انجام پژوهش‌های مستمر و مطالعات همه جانبه، عوامل تضعیف و تقویت‌کننده باورهای دینی و ارزش‌های فرهنگی جوانان را شناسایی و یافته‌های خود را در دسترس برنامه‌ریزان درسی و... قرار دهند.

- برنامه‌ریزان درسی می‌توانند مباحث درسی مرتبط با مقوله فرهنگ را که معمولاً در قالب دروس مطالعات اجتماعی ارائه می‌شود، بررسی و در آن‌ها تجدیدنظر کنند و با توجه به نیاز زمان، مسأله جهانی شدن فرهنگ را از زاویه‌های مختلف و در قالب برنامه‌های درسی مطرح نمایند تا شاگردان از تعبیرهای مختلفی که

^۱ . Globalization

^۲ . Internalization

درباره‌ی جهانی شدن فرهنگ وجود دارد، آگاه شوند و بتوانند تفاهم را از تهاجم و گفتگو را از استیلاطلبی تمییز دهند.

از دیگر مطالعات صورت گرفته می‌توان از پژوهش سجادی (۱۳۸۲)، نام برد. این پژوهش در پی پاسخ به سؤالاتی از این قبیل است: چه نسبتی بین جهانی شدن و تعلیم و تربیت وجود دارد؟ تحولات در اهداف تعلیم و تربیت ناشی از تأثیر جهانی شدن، کدامند؟ برنامه درسی و محتوای تعلیم و تربیت و یادگیری چه تغییراتی می‌یابند؟ وجوه چالش برانگیز تأثیرات جهانی شدن برای مؤلفه‌های تعلیم و تربیت (اهداف، ساختار، محتوا) چگونه است؟ او به این نتیجه دست یافته است که جهانی شدن یک جریان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و سعی دارد نوعی انسجام وحدت‌گرایانه در مقولاتی هم چون اقتصاد و فرهنگ و از جمله تعلیم و تربیت به وجود آورد، به نحوی که جهت‌گیری‌ها، برنامه‌ها، شیوه‌ها، ساختار، اهداف و محتوای تعلیم و تربیت به سمت یک نظام واحد جهانی تعلیم و تربیت حرکت نمایند که تحولاتی را بوجود می‌آورد، و می‌تواند موجبات تضعیف ساختارها، اهداف و محتوای تعلیم و تربیت محلی و ملی را فراهم کند و مرکزیت تصمیم‌گیری‌های آموزشی و تربیتی را از حالت ملی و محلی به حالت فراملی و جهانی درآورد که خود زمینه بعضی نابسامانی‌های هویتی، فرهنگی، آموزشی و تربیتی را برای جوامع مختلف بوجود می‌آورد.

به علاوه مهرمحمدی (۱۳۸۳) نیز پژوهشی را در زمینه‌ی فرهنگ و جهانی شدن با این فرض انجام داده است که نسبت سه پدیده با مفهوم تعلیم و تربیت، فرهنگ و جهانی شدن تا جایی که فرهنگ‌های گوناگون را عناصر مشترک بدانیم، به سمت جهانی یا جهانی کردن می‌توان گام برداشت. اما زمانی که با عناصر بومی - محلی یا غیرمشترک فرهنگ سروکار داریم، جهانی شدن تعلیم و تربیت چون با قصد از بین بردن هویت‌های فرهنگی یا فراهم کردن زمینه استیلا یکی فرهنگ به صحنه می‌آید، پروژه‌ای نافرجام و محکوم به شکست است. وی بعد از انجام پژوهش با فرض بالا به این نتیجه رسیده است که سه نسبت میان فرهنگ و تعلیم و

تربیت قضاوت‌های متفاوت یا واکنش‌های مختلفی را در برابر پدیده جهانی شدن طلب می‌کند. در نسبت نخست یعنی برخورداری نظام‌های آموزشی از زیر بنا، یا بنیاد فرهنگی، باید موضوع جهانی شدن را تا حدود زیادی منتفی دانست. در نسبت دوم، یعنی مأموریت فرهنگی تعلیم و تربیت، در استمرار اشکال بارز و به رسمیت شناخته شده فرهنگ انسانی، باید گفت جهانی شدن امری مطلوب خواستنی بوده و در سایه اصلاحات جهانی و در نظام‌های آموزش و پرورش، قطعاً دست‌یافتنی نیز خواهد بود. در نسبت سوم تعلیم و تربیت و فرهنگ به شکل ویژه‌ای به فرهنگ مشترک جهانی (انسانی) مربوط می‌شود و مأموریت دستگاه‌های تعلیم و تربیت به تدارک برنامه برای تربیت شهروند جهانی خلاصه می‌شود، از این منظر نیز جهانی شدن دستاورد ممتاز و مثبت ارزیابی می‌شود.

پژوهش‌های فوق‌الذکر در ارتباط با تحقیق حاضر سیر منطقی را دنبال می‌نماید، به عنوان مثال مقاله‌ی «نقش تعلیم و تربیت در برخورد با جهانی شدن فرهنگ مدرنیته» نیاز به انجام تحقیق و تجدیدنظر در عرصه‌ی برنامه‌های درسی را بر اساس ارائه نظرات امام خمینی (ره) مطرح می‌کند.

مقاله‌ی «جهانی شدن و پیامدهای چالش‌برانگیز آن برای تعلیم و تربیت»، تغییرات حاصل از پدیده‌ی جهانی شدن را در عرصه‌ی جهت‌گیری‌ها، برنامه‌ها، شیوه‌ها، ساختار، اهداف و محتوای تعلیم و تربیت مدنظر قرار می‌دهد.

به دنبال آن مقاله‌ی «تعلیم و تربیت، فرهنگ و جهانی شدن»، نمونه‌ی رویکرد خاص در ضرورت حاکمیت هویت ملی بر موضوع جهانی شدن با در نظر گرفتن قصد فرهنگ جهانی بر کمرنگ کردن هویت ملی کشورها مطرح می‌کند.

۱-۲ ضرورت و اهمیت پژوهش

همه نظام‌های آموزشی در خدمت جوامع مربوط به خود هستند، طوری که مناسبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آموزشی آئینه تمام‌نمای جامعه‌ای است که این نظام جزئی از آن است. تعامل برنامه درسی با نیازهای ملی یک قاعده معمول و مسلمی در آموزش و پرورش در شرایط عادی است که پدیده جهانی شدن با تأثیر خاص خود بر عوامل زمینه‌ای، چارچوب‌های کلی نظام آموزش و پرورش را تحت تأثیر قرار می‌دهد. محتوای برنامه‌های درسی به لحاظ نقشی که در تحقق هدف‌های برنامه ایفا می‌کند از اهمیت خاصی برخوردار است. کتب درسی در کشور ما نمادی از محتوای برنامه درسی می‌باشد، از این رو توجه جدی به کتاب درسی، بهبود و اصلاح آن ضروری است. زیرا: اولاً، کتاب در نظام‌های متمرکز از اهمیت زیادی برخوردار است و همچنین دوره ابتدایی جزو دوره‌های حساس آموزش و پرورش به حساب می‌آید، زیرا به سنی مربوط می‌شود که در آن کودک بیشترین میزان پذیرش را دارد، یعنی زمانی که در او روحیه انتقادی هنوز رشد نکرده است، بدین جهت کارایی جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری او بسیار بالا است. ثانیاً، این که با توجه به اهمیت ویژه‌ای که کتاب‌های درسی در انتقال ارزش‌ها و هنجارها دارند، به نظر می‌رسد که آن باید همواره مورد تجزیه و تحلیل، نقد، بررسی و تغییر و تحول قرار بگیرد. از میان کتاب‌های درسی دوره ابتدایی که در انتقال ارزش‌ها و هنجارها و اجتماعی شدن نقش بسزایی را دارد کتاب تعلیمات اجتماعی می‌باشد. در اجتماعی شدن و عوامل مؤثر در آن علما و صاحب‌نظران علوم اجتماعی و تعلیم و تربیت هر یک به نوعی اظهار نظر کرده‌اند و اهمیت آن را بر شمرده‌اند. به زعم شریعتمداری، برنامه‌های اجتماعی قسمتی از برنامه تربیت عمومی مدارس را تشکیل می‌دهند و برای آن که هریک از افراد جامعه بتوانند بهتر با دیگران زندگی کنند این برنامه برای همه ضروری است. هدف این برنامه رشد معلومات، مهارت‌ها، استعدادها و رفتار لازم برای ادامه زندگی در جامعه می‌باشد (شریعتمداری، ۱۳۶۵: ۳۲).

اجتماعی شدن جریانی است که در آن هنجارها، مهارت‌ها، انگیزه‌ها، طرز تلقی‌ها و رفتارهای فرد شکل می‌گیرد تا ایفای نقش کنونی یا آتی، و در جامعه مناسب و مطلوب شناخته شود و این جریان از همان لحظه تولد کودک آغاز می‌شود و در آن برخی از افراد و گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی نقش کلیدی دارند (استفتر، ۱۳۶۹: ۱۰).

هدف آموزش و پرورش در مطالعات اجتماعی علاوه بر جنبه‌های شناختی، یعنی تعلیم و تربیت فرد در جهت شناخت محیط فیزیکی و انسانی، ایجاد نگرش‌ها و مهارت‌های لازم به منظور تعامل مطلوب با محیط و برقراری روابط انسانی مطلوب و مناسب با دیگران را نیز شامل می‌شود، تا آن‌جا که وی را به مشارکت در حل مسایل اجتماعی و پیشبرد هدف‌های فردی و جمعی مهیا می‌سازد (میرزاییگی، ۱۳۷۵: ۸۵-۸۴).

مطالعات اجتماعی از جمله مطالعات سودمند برای فراگیران هستند. هدف‌هایی که باید از طریق مطالعات اجتماعی تحقق یابند عبارتند از:

۱) شاگردان بایستی از اشخاص، اماکن و حوادثی که در ادبیات و مکالمات به آن‌ها اشاره می‌شود، فکر و شناختی داشته باشند.

۲) شاگردان بایستی اعمالی را که مستقیماً روشن‌کننده مسایلی هستند، بشناسند چه آنان، به منزله افراد یک جامعه دموکراتی، حل این مسایل را در آینده در پیش دارند.

۳) شاگردان بایستی نسبت به کشور و موطن خود به لحاظ فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی اطلاعات کاملی را کسب کنند (دوتران، ۱۳۵۸: ۵۸)

هم چنین کاربردهایی که از این پژوهش برای سازمان‌ها، جامعه و افراد می‌توانیم در نظر بگیریم عبارتند از:

۱- آشنایی نسبی سازمان‌هایی چون سازمان آموزش و پرورش، سازمان تألیف کتب درسی، سازمان حفظ میراث فرهنگی، پژوهشگران و آسیب‌شناسان اجتماعی و دانشگاهی با مفاهیم ایران‌شناسی به کار برده شده در کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی دوره‌ی ابتدایی.

۲- ارزشیابی از مفاهیم ایران‌شناسی به کار برده شده در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی ابتدایی توسط مؤلفین کتب درسی جهت اتخاذ تصمیمات مقتضی در زمینه‌ی حفظ هویت ملی.

۳- تجدید نظر در زمینه‌ی مباحث درسی مرتبط با مقوله‌ی ایران‌شناسی توسط برنامه‌ریزان درسی.